
بسم الله الرحمن الرحیم

سرشناسه: اندروز، جان، ۱۹۴۶- م.
Andrews, John, ۱۹۴۶-
عنوان و نام پدیدآور: لبه تیغ : شناخت کانون‌های بحرانی جهان/ جان اندروز ؛ ترجمه امیراحمد شیشه‌گر ؛ ویراستار سحر آزاد.
مشخصات نشر: تهران: انتشارات امین‌الضرب، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری: ۴۰۸ ص.؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س‌م.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۳۴-۵۹-۹
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: The world in conflict : understanding the world's troublespots, [۲۰۱۵]
عنوان دیگر: شناخت کانون‌های بحرانی جهان.
موضوع: روابط بین‌المللی
International relations
سیاست جهانی
World politics
مدیریت تعارض
Conflict management
شناسه افزوده: شیشه گر، امیراحمد، ۱۳۴۹-، مترجم
رده بندی کنگره: JZ۵۵۹۵
رده بندی دیویی: ۳۲۷/۱۶
شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۴۸۱۱۰۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

امین‌الضرب

لبه تیغ

شناخت کانون‌های بحرانی جهان

نویسنده: **جان اندروز**

ترجمه: **امیراحمد شیشه‌گر**

شورای سیاست‌گذاری: **مصطفی درویشی، بهراد مهرجو**

گرافیک و طراحی: آتلیه آینده‌نگر / رضا دولت‌زاده

ویراستار: سحر آزاد

چاپ اول: بهار ۱۴۰۵

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: پردیس دانش

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۳۴-۵۹-۹

تهران، خیابان قائم‌مقام فراهانی، کوچه میرزاحسنی، شماره ۱۸

۸۸۷۰۱۸۹۴

لبه تیغ

شناخت کانون‌های بحرانی جهان

جان اندروز

ترجمه امیراحمد شیشه‌گر

عنوان اصلی کتاب

The World in Conflict

برای «صلح»؛
یگانه آرزوی مشترک
در هیاهوی بی‌پایانِ این جهان

مناطق جغرافیایی تحت پوشش هر فصل



فهرست

پیشگفتار | محمود نجفی‌عرب ۱۱
مقدمه نویسنده ۱۳
مقدمه مترجم ۱۵

۱ چرا درگیری‌ها رخ می‌دهند؟ ۱۹
نیروی مؤمنان ۲۲
فراتر از دین ۲۴
ترکیب مرگبار ۲۹
رسانه‌ها ممکن است ۳۳

۲ خاورمیانه و شمال آفریقا: متصل به اسلام ۳۹
ایمان خود را حفظ کنید - به هر قیمتی ۴۳
داعش و دولت اسلامی ۴۵
الجزایر ۴۸
مصر ۵۲
ایران ۵۸
عراق ۶۷
اسرائیل و فلسطین ۷۶
لبنان ۹۱
لیبی ۱۰۳
سوریه ۱۰۹
یمن ۱۱۸

۳ آفریقا: غنی از منابع، ضعیف از نظر حکومت‌داری ۱۲۹
آنگولا ۱۳۳
جمهوری آفریقای مرکزی ۱۳۵
چاد ۱۳۸
ساحل عاج ۱۴۱
جمهوری دموکراتیک کنگو ۱۴۳
اریتره ۱۴۸
اتیوپی ۱۵۱
کنیا ۱۵۴
مالی ۱۵۸
موزامبیک ۱۶۲
نیجریه ۱۶۴
سنگال ۱۷۱
سومالی ۱۷۳
سودان جنوبی ۱۷۹
سودان ۱۸۲
اوگاندا ۱۹۰

۴ بریتانیا و اروپا: گذشته‌ای خونین، حالِ آسوده، آینده‌ای نامطمئن ۱۹۵
بریتانیا ۱۹۷
فرانسه ۲۰۴
یونان ۲۱۲
ایتالیا ۲۱۵
ناگورنو-قره‌باغ (آرتساخ) ۲۱۹
روسیه ۲۲۰
اسپانیا ۲۲۹
ترکیه ۲۳۵
اوکراین ۲۴۱

۵ قاره آمریکا: ایمان، مواد مخدر و انقلاب ۲۵۱
خدا و مواد مخدر ۲۵۳
شیلی ۲۵۷
کلمبیا ۲۵۹
اعتیاد به کوکائین ۲۶۲
اکوادور ۲۶۴
مکزیک ۲۶۷
ترس ایالات متحده ۲۶۹
پاراگوئه ۲۷۴
پرو ۲۷۷

۶ ایالات متحده: هم ابرقدرت و هم جالوت آسیب‌پذیر ۲۸۱
توازن قدرت ۲۸۳
بذرهای ترور ۲۸۸
جنگ جهانی علیه تروریسم ۲۹۲
پلیس جهانی؟ ۲۹۷
تهدید درون ۳۰۲

۷ آسیا: مردم و پتانسیل - هم برای صلح و هم برای جنگ ۳۰۵
افغانستان ۳۰۸
چین ۳۱۴
هند ۳۲۱
اندونزی ۳۲۹
کره (شمالی و جنوبی) ۳۳۵
میانمار ۳۴۱
پاکستان ۳۴۶
فیلیپین ۳۵۶
تایلند ۳۶۲

۸ جنگ بی‌پایان؟ ۳۶۷
رسانه و پیام ۳۷۱
پیام مختلط اسلام ۳۷۴
لابی سلاح: فروشندگان و خریداران راغب ۳۷۷

پیوست مترجم ۳۸۱
فصل نانوشته ۳۸۵
پیوست ۳۹۵
سپاسگزاری نویسنده ۳۹۷
درباره نویسنده ۳۹۸

پیشگفتار

محمود نجفی عرب
رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

در جهـان به‌هـم پیوسـته امروز، دیگـر نمی‌تـوان مرزی میان اقتصـاد و ژئوپلیتیک ترسیم کرد. این، یک واقعیت انکارناپذیر اسـت که ثبات بازارهای جهانی، امنیت زنجیره‌هـای تأمیـن و پویـایی تجارت بین‌الملل، همگی در پیوندی ناگسسـتنی با صلـح و امنیـت در سراسـر گیتـی قـرار دارنـد. تحـولات در دریـای سرخ و تنگـه باب‌المنـدب بـه مـا نشـان داد کـه چگونـه یـک درگیری در منطقـه‌ای دوردسـت می‌تواند در عرض چند روز، هزینه‌های حمل‌ونقل دریایی را برای یک بازرگان در تهـران چنـد برابـر کند. رقابت فناورانه میان قدرت‌هـای بزرگ، قواعد بازی را برای صنعتگـران مـا بازتعریـف و دسترسـی بـه فناوری‌هـای نویـن را بـه یـک چالـش اسـتراتژیک تبدیـل می‌کنـد. هـر تنشـی در یک گوشـه از جهان، امواج خـود را به سـرعت بـه بازارهـای مالی، مسیرهای کشـتیرانی و قیمـت مواد اولیه در گوشـه‌ای دیگر می‌رساند.

در چنیـن دنیـایی، شـناخت دقیـق دینامیـک درگیری‌ها و کانون‌هـای بحران،

دیگر یک امر صرفاً سیاسی یا نظامی نیست، بلکه یک ضرورت استراتژیک و حیاتی برای فعالان اقتصادی است. بخش خصوصی ایران که سال‌هاست در خط مقدم یک «جنگ اقتصادی» تمام‌عیار قرار داشته و با تحریم‌های ظالمانه دست و پنجه نرم می‌کند، بیش از هر بخش دیگری، تأثیر مستقیم این تلاطم‌های جهانی را بر کسب‌وکار خود احساس کرده است. قطع دسترسی به سیستم‌های بانکی بین‌المللی، هزینه‌های مضاعف بیمه و حمل‌ونقل و عدم قطعیتی که برنامه‌ریزی بلندمدت را مختل می‌سازد، تنها بخشی از چالش‌هایی است که کارآفرینان ما هر روز با آن مواجهند.

رسالت اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران در قرن بیست و یکم، فراتر از تسهیل امور تجاری داخلی است. ما وظیفه خود می‌دانیم که به عنوان دید بخش خصوصی به جهان، جدیدترین و عمیق‌ترین تحلیل‌ها را در اختیار اعضای خود قرار دهیم تا توانایی آنها را برای حضور در عرصه‌های بین‌المللی تقویت کنیم. از این رو، کتاب لبه تیغ (The World in Conflict) که پیش روی شماست، نه یک روایت تاریخی صرف، بلکه یک نقشه راه و قطب‌نمایی برای مدیران بخش خصوصی و استراتژیست‌های اقتصادی است. این اثر به ما کمک می‌کند تا از ورای تحلیل‌های روزمره به درک عمیق‌تری از ریشه‌های بی‌ثباتی در جهان دست یابیم؛ ریشه‌هایی که مستقیماً بر هزینه تولید، ریسک سرمایه‌گذاری و امنیت تجارت ما تأثیرگذار است.

مطالعه این کتاب، ذهن فعالان اقتصادی را برای گذار از یک رویکرد صرفاً واکنشی به یک بینش آینده‌نگر و استراتژیک آماده می‌سازد. در دنیای امروز، مفاهیمی چون «تاب‌آوری اقتصادی»، «تنوع‌بخشی به بازارهای صادراتی» و «تحلیل ریسک‌های ژئوپلیتیک»، فقط واژگانی لوکس نیستند، بلکه بخشی ضروری از جعبه‌ابزار هر مدیر موفقی به شمار می‌روند. این کتاب، ابزار لازم برای این تحلیل‌ها را در اختیار ما قرار می‌دهد.

امید است اتاق بازرگانی تهران بتواند با انتشار این اثر تحلیلی، به ارتقای دانش راهبردی در میان فعالان اقتصادی کشور کمک می‌کند.

مقدمه نویسنده

کلمه «درگیری» می‌تواند برای هر چیزی از یک دعوای کوچک در زمین بازی گرفته تا جنگ جهانی دوم به کار رود. برای این کتاب، این کلمه به معنای اختلاف نظر – بین ملت‌ها، مردم یا جنبش‌های سیاسی – است که شامل استفاده از خشونت مرگبار می‌شود.

معیار من این است که درگیری، صرف نظر از اینکه ریشه‌های آن چقدر دور است، باید هنوز در حال وقوع باشد (برای مثال، به همین دلیل است که فقط اشاره‌ای گذرا به جنگ‌هایی که یوگسلاوی را در پایان قرن گذشته تجزیه کردند، وجود دارد). تعداد قابل توجهی از درگیری‌ها وجود دارد که معیار من را برآورده می‌کنند، از جنگ داخلی حل نشده در افغانستان گرفته تا خشونت جدایی‌طلبانه در هند و فیلیپین. آیا خشونت ناشی از «جرایم سازمان‌یافته» با معیار من مطابقت دارد؟ نه. اما در مورد آمریکای لاتین، درگیری‌های مربوط به کارتل‌های مواد مخدر، خود، دولت را تهدید می‌کند – و خشونت هم توسط کارتل‌ها و هم توسط دولت به راحتی به اندازه کافی شدید است که واجد شرایط باشد. با این وجود، بر اساس علت و معلول، سعی کرده‌ام، هر درگیری را در بستر تاریخی خود قرار دهم. همچنین سعی کرده‌ام «طرف هیچ طرفی را نگیرم».

همان‌طور که فصل اول روشن می‌کند، درگیری‌ها می‌توانند علل بسیاری داشته باشند که اغلب با یکدیگر، همپوشانی دارند و این امر دسته‌بندی آن‌ها را بر اساس دسته‌هایی مانند مذهب، نژاد، قلمرو، منابع یا ایدئولوژی دشوار می‌کند. ساده‌ترین راه حل مطمئناً دسته‌بندی آن‌ها بر اساس جغرافیا و کشور است، اگرچه بسیاری از درگیری‌ها، به‌ویژه در آفریقا و خاورمیانه از مرزهای ملی عبور می‌کنند. همان‌طور که از فصل‌های این کتاب در مورد خاورمیانه، آفریقا و آسیا مشخص است، جنبش‌های اسلام‌گرای امروزی، چه در الجزایر و مالی یا پاکستان و فیلیپین، اغلب ریشه در افغانستان دهه ۱۹۸۰ دارند. این راهنما برای درگیری‌های جهان ممکن است، دیدگاه ماهاتما گاندی را به ذهن متبادر کند:

«برای مردگان، یتیمان و بی‌خانمان‌ها چه فرقی می‌کند که این ویرانی دیوانه‌وار تحت نام تمامیت‌خواهی انجام شود یا به نام آزادی یا دموکراسی؟»

جان اندروز

مقدمه مترجم

درک آشوب؛ راهنمایی برای جهانی در تب و تابی آشنا

پایان یک دوران

کتابی که پیش رو دارید، «The World in Conflict»، اثری از مجموعه تحلیلگران برجسته نشریه «اکونومیست» در لحظه‌ای بسیار خطیر از تاریخ معاصر است. ما در عصری زندگی می‌کنیم که بسیاری از اطمینان‌های گذشته فرو ریخته و پارادایم‌هایی که برای دهه‌ها روابط بین‌الملل را تعریف می‌کردند، کارایی خود را از دست داده‌اند. خوش‌بینی‌های دهه ۱۹۹۰ پس از فروپاشی دیوار برلین و پایان جنگ سرد که نویدبخش «پایان تاریخ» و پیروزی لیبرال دموکراسی بود، جای خود را به اضطرابی عمیق و احساس ناامنی فراگیر داده است. این کتاب تنها فهرستی از جنگ‌ها و بحران‌های معاصر نیست؛ بلکه کالبدشکافی دقیق این دوران گذار و تلاشی است، برای ترسیم نقشه آشفتگی‌های دنیای امروز و ریشه‌یابی نیروهایی که این نظم ناپایدار را شکل می‌دهند.

اکونومیست در این اثر با همان نگاه دقیق و تحلیلی همیشگی خود از ورای اخبار روزمره و تحلیل‌های سطحی عبور کرده و به لایه‌های عمیق‌تر پدیده‌هایی

می‌پردازد که شاکله جهان ما را تغییر داده‌اند: افول هژمونی آمریکا و نظم تک‌قطبی، ظهور چین به عنوان یک رقیب استراتژیک، بازگشت روسیه به صحنه جهانی با رویکردی تهاجمی و قدرت‌گیری بازیگران منطقه‌ای که دیگر حاضر نیستند، در چارچوب معادلات قدرت‌های بزرگ عمل کنند.

نویسنده کتاب با مهارتی مثال‌زدنی نشان می‌دهد که چگونه درگیری‌های به ظاهر پراکنده در اوکراین، خاورمیانه، دریای چین جنوبی یا آفریقا، همگی علائم یک بیماری فراگیر و بخشی از یک شبکه درهم‌تنیده هستند. افول نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل و سازمان تجارت جهانی، بازگشت ناسیونالیسم‌های تهاجمی و استفاده از ابزارهای نوین مانند جنگ اقتصادی، حملات سایبری و کارزارهای اطلاعاتی، همگی فصل‌های داستانی پرالتهاب را تشکیل می‌دهند که این کتاب به شکلی منسجم روایت می‌کند.

ایران در کانون طوفان

چرا ترجمه و مطالعه این کتاب برای خواننده فارسی‌زبان، فراتر از یک کنجکاوی آکادمیک و یک ضرورت انکارناپذیر است؟ پاسخ در موقعیت منحصربه‌فرد ایران در این نقشه جهانی نهفته است. ایران، به واسطه موقعیت ژئوپلیتیک، تاریخ معاصر و ماهیت انقلابی خود، نه تنها از این درگیری‌های جهانی برکنار نبوده، بلکه در چهار دهه گذشته همواره در کانون بسیاری از آن‌ها قرار داشته است. برای شهروند ایرانی، مفاهیمی چون «جنگ نیابتی»، «تحریم اقتصادی» یا «رقابت قدرت‌های بزرگ» واژگانی بیگانه در متون تخصصی نیستند، بلکه بخشی از زیست‌جهان و حافظه تاریخی او را تشکیل می‌دهند.

۱. **خاورمیانه، آزمایشگاه درگیری‌های جهانی:** منطقه خاورمیانه که بخش قابل توجهی از کتاب به آن اختصاص دارد، دهه‌هاست که صحنه اصلی رویارویی منافع ایران با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. این کتاب، چارچوبی کلان برای درک این نکته فراهم می‌کند که چگونه جنگ داخلی سوریه صرفاً یک بحران داخلی نبود، بلکه به میدانی برای

رقابت ایران و متحدانش با عربستان سعودی، ترکیه، اسرائیل و ایالات متحده تبدیل شد. بحران یمن، بی‌ثباتی در عراق و لبنان و تنش‌های دائمی در خلیج فارس، همگی نمونه‌هایی هستند که نشان می‌دهند، چگونه منازعات محلی ما به یک پازل بزرگ‌تر جهانی متصل می‌شوند و بازیگران بین‌المللی چگونه از این گسل‌ها برای پیشبرد اهداف خود بهره می‌برند.

۲. **جنگ اقتصادی، محاصره مدرن:** شاید ملموس‌ترین فصل این کتاب برای خواننده ایرانی، بخشی باشد که به تشریح جنگ اقتصادی می‌پردازد. مفهوم «تحریم‌های فلج‌کننده» که در این کتاب به عنوان یکی از ابزارهای نوین درگیری تحلیل می‌شود، برای جامعه ایران یک واقعیت تلخ و طولانی است. این کتاب به ما کمک می‌کند تا تحریم‌ها را نه به عنوان یک سیاست تنبیهی ساده، بلکه به عنوان یک «محاصره مدرن» و شکلی پیچیده از جنگ فرسایشی درک کنیم که هدف آن نه فقط تغییر رفتار حکومت، بلکه فرسودن جامعه و فروپاشی زیرساخت‌های اقتصادی است. تحلیل کتاب از چگونگی استفاده ابزاری از نظام مالی جهانی (دلار)، فناوری و دسترسی به بازارها به عنوان سلاحی در مناسبات بین‌المللی، به درک عمیق‌تر فشارهایی که بر تک‌تک شهروندان ایرانی وارد آمده است، کمک شایانی می‌کند.

۳. **جبهه نبرد سایبری و اطلاعاتی:** دنیای درگیری امروز دیگر به میدان‌های نبرد فیزیکی محدود نمی‌شود. این کتاب به خوبی نشان می‌دهد که فضای سایبری و جنگ‌های اطلاعاتی به یکی از اصلی‌ترین عرصه‌های رویارویی دولت‌ها تبدیل شده است. ایران در این حوزه نیز یکی از بازیگران و در عین حال قربانیان اصلی بوده است. از حمله ویروس «استاکس‌نت» که برنامه هسته‌ای کشور را هدف قرار داد تا کارزارهای پیچیده اطلاعاتی و پخش اخبار نادرست در شبکه‌های اجتماعی که با هدف بی‌ثبات‌سازی داخلی طراحی می‌شوند، همگی نمونه‌هایی از این

نبرد نامرئی هستند. درک این ابعاد جدید از درگیری برای شهروند امروزی که دائماً در معرض اطلاعات قرار دارد، حیاتی است.

فراتر از خبر، در جست‌وجوی درک

در زمانه‌ای که تحلیل‌های سیاسی اغلب به موضع‌گیری‌های هیجانی، تئوری‌های توطئه و روایت‌های ساده‌انگارانه سیاه و سفید تقلیل می‌یابد، ارزش اصلی این کتاب ارائه یک چارچوب تحلیلی برای فهم پیچیدگی‌هاست. هدف مطالعه چنین اثری، یافتن پاسخ‌های آسان یا راه‌حل‌های فوری نیست، بلکه مجهز شدن به ابزاری برای بهتر اندیشیدن است. این کتاب به خواننده کمک می‌کند تا «چرایی» وقایع را در کنار «چگونگی» آن‌ها قرار دهد و روندهای کلان را از پس حوادث روزمره تشخیص دهد.

در ترجمه این اثر، تمام تلاش بر این بود تا ضمن وفاداری کامل به متن اصلی، لحن دقیق، تحلیلی و تا حد امکان بی‌طرفانه اکونومیست حفظ شود. چالش اصلی، برگردان مفاهیم و اصطلاحات تخصصی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به زبانی بود که برای مخاطب عام نیز قابل فهم و روان باشد، بدون آنکه از دقت علمی آن کاسته شود.

در نهایت، این کتاب را به «صلح» تقدیم می‌کنم. شاید در نگاه اول، تقدیم کتابی که از جنگ و درگیری سخن می‌گوید به صلح، متناقض به نظر برسد. همان‌طور که برای درمان یک بیماری ابتدا باید آن را به دقت شناخت، نخستین و ضروری‌ترین گام برای حرکت به سوی جهانی آرام‌تر نیز، شناخت دقیق و عمیق ریشه‌ها، سازوکارها و ابعاد مختلف درگیری است. امید است این کتاب، نه فقط گزارشی از آشفتگی‌های جهان، بلکه دعوتی به درک مسئولانه و خردمندانه این دنیای پیچیده باشد؛ درکی که پیش‌شرط هرگونه تلاش معنادار برای ساختن آینده‌ای بهتر است.

امیراحمد شیشه‌گر

مترجم

۱

چرا درگیری‌ها رخ می‌دهند؟

«اگر به هر کودک هشت‌ساله‌ای در جهان مدیتیشن آموزش داده شود، ما ظرف یک نسل، خشونت را از جهان حذف خواهیم کرد.» این ادعایی است که دالایی لاما زمانی آن را در قالب یکی از همان نقل‌قول‌های آرامش‌بخشی مطرح کرد که در جهان شبکه‌های اجتماعی به‌سرعت دست‌به‌دست و فراگیر می‌شوند. البته هیچ احتمالی وجود ندارد که شرایط حضرتش محقق شود. اگر زمان حال، راهنمای آینده باشد، آینده‌ای پر از درگیری‌های مکرر خواهد بود – تأییدی بر اینکه خشونت بخشی از شرایط انسانی است و مردان و زنان همچنان برای رسیدن به اهداف خود سلاح به دست خواهند گرفت.

کارل فون کلاوزویتس،[1] یک ژنرال پروسی، با نگاهی واقع‌گرایانه‌تر به ماهیت انسان نسبت به رهبر تبتی، چنین بیان کرد:«جنگ عملی قهرآمیز برای وادار کردن دشمن به انجام اراده ماست». شواهد این امر همه جا وجود دارد. در طول قرن بیست و یکم که فقط دو دهه از آن می‌گذرد، ایالات متحده و متحدانش به عراق و افغانستان حمله کرده‌اند. روسیه در سال ۲۰۰۸ با گرجستان و از سال ۲۰۲۲ با اوکراین در جنگ بوده است. آذربایجان هم با ارمنستان در جنگ بوده است؛ بریتانیا و فرانسه با هم متحد شده‌اند تا به سرنگونی رژیمی در لیبی کمک کنند – که سپس تسلیم هرج و مرج برادرکشی شد.

این‌ها تنها تعدادی از درگیری‌های خونین‌تری هستند که ملت‌ها را در مقابل ملت‌ها قرار می‌دهند. برخی کمتر خونین هستند، اما همچنان خطرناک هستند: به عنوان مثال، بن‌بست عصبی بین هند و پاکستان در کشمیر، جایی که نیروهای هر

1. Carl von Clausewitz

دو طرف یکدیگر را تهدید می‌کنند - گاهی اوقات با نتایج مرگبار - در امتداد خط کنترلی که مدت‌ها پیش در سال ۱۹۷۲ در کوه‌های پوشیده از برف هیمالیا و کاراکاروم[1] ترسیم شده است. در شرق آسیا، کره شمالی و جنوبی ممکن است، درگیری مستقیم نباشند، اما کره شمالیِ تمامیت‌خواهِ مسلح به سلاح هسته‌ای و کره جنوبیِ سرمایه‌دار و دموکراتیک هنوز به طور رسمی به جنگی که در سال ۱۹۵۰ آغاز شد، پایان نداده‌اند. در جای دیگر منطقه اقیانوس آرام، اختلافات دریایی و ارضی، چین، تایوان، ژاپن، فیلیپین، مالزی، ویتنام و برونئی را درگیر کرده است و هیچ کس نمی‌تواند واقعاً مطمئن باشد که این مشاجرات بر سر تکه‌های سنگ یا پهنه‌های اقیانوس، منجر به درگیری مسلحانه نخواهد شد - چه از روی قصد و چه از روی خطای انسانی.

یک مکتب فکری معتقد است که دموکراسی و صلح با هم همراه هستند. نومحافظه‌کاران آمریکایی اطراف رئیس جمهور، جورج دبلیو بوش معتقد بودند که سرنگونی صدام حسین در سال ۲۰۰۳ ابتدا دموکراسی را برای عراق و سپس برای بقیه خاورمیانه به ارمغان خواهد آورد که به نوبه خود، منجر به پذیرش واقعی اسرائیل دموکراتیک در همسایگی اعراب خواهد شد. گذشته از همه این‌ها، رودولف جوزف رومل[2] و دیگر دانشمندان علوم سیاسی به طور قانع‌کننده‌ای استدلال کرده‌اند که دموکراسی‌ها علیه یکدیگر جنگ نمی‌کنند. متأسفانه، پیامدهای جنگ عراق - چه خونریزی فرقه‌ای در خود عراق باشد و چه جنگ داخلی در سوریه مجاور - پیش‌بینی‌های ساده‌لوحانه نومحافظه‌کاران را به سخره گرفته است.

اگر دموکراسی‌ها از حمله به دموکراسی‌های دیگر اکراه دارند، به سختی از درگیری‌های مسلحانه از درون مصون هستند؛ چه مورد شورشیان ناکسالیت[3] در هند باشد یا افراط‌گرایان جمهوری‌خواه در ایرلند شمالی در بریتانیا. همچنین

1. Karakorm
2. Rudolph Joseph Rummel
3. Naxalite

دموکراسی‌ها نمی‌توانند از خشونت وارداتی مصون باشند. حمله به برج‌های دوقلوی منهتن نیویورک و پنتاگون درست در حومه واشنگتن دی سی، در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، این توهم خودپسندانه را که ایالات متحده – ابرقدرت اقتصادی و نظامی جهان – می‌تواند در داخل از عواقب سیاست‌هایش در خارج از کشور مصون بماند، در هم شکست. طنز تلخی است که تاریخ به سبک آمریکایی با شماره تلفن اضطراری این کشور مطابقت دارد. ۱۱ سپتامبر بود که «جنگ جهانی علیه تروریسم» رئیس جمهور بوش و حمله به افغانستان و عراق را برانگیخت و همین ۱۱ سپتامبر بود که «القاعده» اسامه بن لادن را در آگاهی جهانی حک کرد.

آیا القاعده (که در زبان عربی به معنای پایگاه است) شکل جدیدی از درگیری را به جهان معرفی کرد؟ اما انتخابِ سلاح‌های آن در واقع کاملاً متعارف است: تروریسم علیه غیرنظامیان، که حملات یازده سپتامبر برجسته‌ترین ـ اما به‌هیچ‌وجه تنها ـ نمونه آن محسوب می‌شود؛ سلاح‌های سبک، به‌ویژه تفنگ‌های کلاشینکف AK–۴۷؛ و نیز مواد منفجره دست‌ساز یا بمب‌های ابتکاری (IEDها)

به عبارت دیگر، این روش، راه حل معمول کشورهای نسبتاً ضعیف در برابر کشورهای قدرتمند از نظر فناوری است که اکنون جنگ نامتقارن نامیده می‌شود .استفاده القاعده از بمب‌گذاران انتحاری چیز جدیدی نیست: از دهه ۱۹۸۰ «ببرهای تامیل» در تلاش خونین و در نهایت نافرجام خود برای ایجاد یک دولت مستقل تامیل در شمال جزیره، حملات انتحاری در سریلانکا انجام می‌دادند.

دو حوزه وجود دارد که القاعده در آن‌ها پیشرفت‌های جدیدی داشته است. یکی از آن‌ها استفاده از رسانه‌های اجتماعی، به‌ویژه ویدیوهای یوتیوب برای انتشار پیام خود، فراتر از خاورمیانه است. به عنوان مثال، می‌توان به استخدام «انور العولقی»،[1] یک آمریکایی یمنی تبار برای استفاده از زبان انگلیسی مسلط خود برای تبلیغ افراط‌گرایی اسلامی از طریق اینترنت برای مسلمانان غیر عرب زبان در هر کجای جهان اشاره کرد (العولقی در سال ۲۰۱۱ توسط یک حمله پهپادی تحت هدایت سیا در یمن کشته شد). نوآوری دیگر، اعطای حق امتیاز به نام

1. Anwar al-Awlaki

القاعده است. همان‌طور که مک‌دونالد نام و دستور پخت خود را به مدیران مستقل در سراسر جهان قرض می‌دهد، القاعده نیز که شاخه‌های آن از عراق تا مالی گسترده هستند، همین کار را می‌کند.

القاعده از برخی جهات تحت‌الشعاع دولت اسلامی عراق و شام (داعش) قرار گرفته است، که نام اختصاری دیگر آن داعش (دولت اسلامی عراق و شام) است (شام نام عربی سوریه یا شام بزرگ است). در حالی که القاعده بخش عمده‌ای از تلاش‌های خود را بر حملات خارج از جهان اسلام متمرکز کرده است، داعش در سال ۲۰۱۴ خلافت جدیدی را در خاورمیانه اعلام کرد و هزاران جنگجو را از اروپا و بقیه جهان عرب با حضور اینترنتی، همراه با ویدیوهای سر بریدن و خونریزی‌های نظامی که به طرز ماهرانه‌ای تولید شده‌اند، جذب کرد که بسیار پیچیده‌تر از القاعده است. پنج سال بعد، اقدام طولانی و هماهنگ نیروهای عربی و بین‌المللی منجر به شکست خلافتی شد که زمانی از شرق سوریه تا بخش‌های بزرگی از عراق گسترش یافته بود - اما زیر پرچم دولت اسلامی، شاخه‌های داعش در بخش بزرگی از جهان اسلام باقی مانده‌اند و این سازمان همچنان الهام‌بخش اقدامات تروریستی فردی در غرب و جاهای دیگر است.

نیروی مؤمنان

فراخوان به نوعی اسلامِ ناب؛ تقسیم جهان به دارالاسلام (سرای اسلام) و دارالحرب (سرای جنگ، که مردمانی را دربر می‌گیرد که هنوز به اسلام گردن ننهاده‌اند)؛ و عزم راسخ برای برپایی خلافتی نو که از مرزهای دولت‌های مدرن فراتر رود: همه این‌ها چنان است که گویی جهان در حدود سیزده قرنی که از نخستین گسترش ایمان اسلامی ـ از طریق فتح و دعوت ـ از شبه‌جزیره عربستان تا اقیانوس اطلس در غرب و هیمالیا در شرق می‌گذرد، هیچ تغییری نکرده است.

تعصب بنیادگرایانه سنی القاعده و داعش، اشکال دیگر اسلام به‌ویژه تشیع را تحقیر می‌کند و این موضوع حتی وهابی‌های سرسخت عربستان سعودی را نیز نگران می‌کند. البته کسانی را که مشتاق سخت‌گیری‌های صریح قانون شریعت